

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

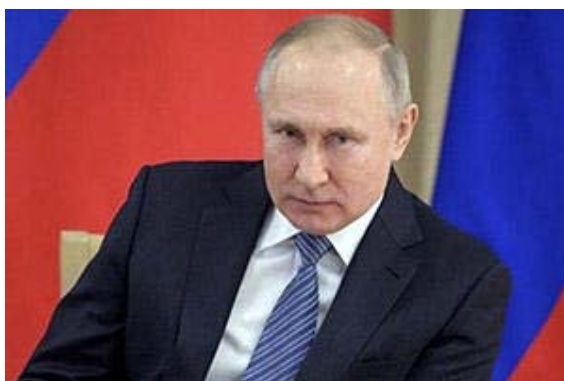
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: داکتر کنت دکلوا
برگردان از: فرارو*
فرستنده: عثمان حیدری
۱۶ جنوری ۲۰۲۲

درس‌هایی که استادان فنون مذاکره هاروارد می‌توانند از پوتین بیاموزند!



عملکرد پوتین در مورد بحران اوکراین درخشان و استادانه بوده است

پوتین به طور علنی و مکرر خطوط قرمز خود را ترسیم کرده است این که اوکراین هرگز نباید اجازه داشته باشد به ناتو بپیوندد. بنابراین، اقدام احتمالی او لزوماً تهاجم به اوکراین نیست بلکه ادامه فشارهای مختلف ترکیبی و استفاده از کارت منطقه خاکستری است تا موضع طرف مقابل تضعیف شود.

"ولادیمیر پوتین" رئیس جمهوری روسیه هرگز در دوره مذاکرات عالی دانشکده بازرگانی هاروارد شرکت نکرده، اما در بحران کنونی اوکراین عملکرد درخشانی را از خود نشان داده و به، او می‌تواند یکی دو نکته را به بهترین استادان هاروارد آموزش دهد.

پوتین با بهره‌گیری از ترکیبی استادانه از ستراتیژی بلند مدت، دستاوردهای تاکتیکی، تاکتیک‌های منطقه خاکستری، جنگ ترکیبی و مدیریت فضای اطلاعاتی به این موفقیت دست یافته، اقداماتی که می‌توانند به عنوان یک مطالعه موردی در سمیناری در هاروارد درباره چگونگی انجام بهترین مذاکره از موضع قدرت و همزمان دستیابی به اهداف طولانی مدت مورد استفاده قرار گیرند. درک چنین مفاهیمی می‌تواند برای پرزیدنت بایدن و متحدان امریکا در ناتو که در حال بررسی گام و مراحل بعدی هستند، سودمند باشد.

دشمنان ایجاد کننده اختلال مانند پوتین اغلب براحتی دست کم گرفته می‌شوند. پوتین خود را "متخصص در روابط انسانی" توصیف کرده است. او بخوبی توسط "کا گ ب" آموزش دیده و به یک بازیگر سیاسی بیرحم و بسیار ستراتیژیست و در عین حال منطقی تبدیل شده است. پوتین مدت زمانی است که از طریق ابزارها و دکترین قرن بیست و یکمی با استفاده از مجموعه عظیمی از استعدادها، سرمایه‌ها و مناطق خاکستری و رویکردهای دولتی با جنگ سرد تازه مقابله کرده است.

این ستراتیژی‌ها شامل استفاده از ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، سایبری و اطلاعاتی و امنیتی برای غلبه بر درگیری‌های ترکیبی بوده اند. واکنش غرب (در رابطه با اوکراین) تقویت اتحادیه‌هایی مانند اتحادیه اروپا و ناتو بوده است با این تصور که نمایش قدرت دیپلماتیک همراه با تهدید روسیه به اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی از جمله مجازات‌های سوئیفت ممکن است به نوعی مانع از ادامه پیش روی پوتین شوند. با این وجود، متأسفانه پس از تصرف کریمه در سال ۲۰۱۴ میلادی و درگیری‌های پس از آن در دونباس در شرق اوکراین تحریم هیچ کاری برای خنثی کردن تاکتیک‌های تهاجمی و رفتار سیاسی پوتین انجام نداده است.

با توجه به آن که مخالفان امریکا و رهبران آن از جمله پوتین، شی، کیم و مقام‌های ایرانی درک شان از اقدامات بایدن نمایش ضعف سیاسی امریکا است و هم چنین، بدان خاطر که اتحادیه اروپا و ناتو در اجرای تعهدات شان جدی نبوده اند (توجه داشته باشیم که "شولتز" صدراعظم المان آزموده نشده و تازه به قدرت رسیده و مکرون رئیس جمهوری فرانسه در سال ۲۰۲۲ میلادی با انتخابات برای انتخاب مجدد مواجه خواهد بود) پوتین احتمالاً ترسی از اتحادیه اروپا یا ناتو ندارد. با توجه به سرمایه‌های سرسام آور روسیه که در بانک‌های بریتانیایی و اروپایی و سایر مؤسسات مالی سرمایه گذاری شده اند، پوتین متوجه می‌شود که دست برتر را دارد و پیش‌تر به نوعی پیروزی دست یافته است و تحریم‌های مرتبط با سوئیفت برای غرب کارساز نخواهند بود.

هم چنین، اظهارات اخیر بایدن مبنی بر آن که امریکا و ناتو به اوکراین نیرو اعزام نخواهند کرد نیز بیش از پیش به پوتین احساس قدرتمند بودن را بخشیده است. علاوه بر آن، بایدن هنوز سفیر بعدی امریکا در اوکراین را معرفی نکرده است. فقدان پیشرفت در مذاکرات فعلی امریکا و روسیه و مذاکرات ناتو با روسیه به دلیل مواضع سرسختانه‌ای که دو طرف دارند و نکاتی که به سبک دوره جنگ سرد بیان می‌کنند، جای تعجبی ندارد.

پوتین به طور علنی و مکرر خطوط قرمز خود را ترسیم کرده است، این که اوکراین هرگز نباید اجازه داشته باشد به ناتو بپیوندد. بنابراین، اقدام احتمالی او لزوماً تهاجم به اوکراین نیست بلکه ادامه فشارهای مختلف ترکیبی و استفاده از کارت منطقه خاکستری است تا موضع طرف مقابل تضعیف شود. در حالی که پوتین با عزم و اراده از خطوط قرمز خود دفاع می‌کند او با خطری متوجه است که می‌توان از آن تحت عنوان "هراس کشورهای همسایه درباره خطر تجاوز امپراتوری" یاد کرد. اگر روسیه تهاجمی نظامی را علیه اوکراین انجام دهد، این موضوع می‌تواند منجر به تمایل همسایگان سابقاً بی طرف مانند سویدن و فنلاند برای پیوستن به ناتو شود. این یک ضرر بزرگ برای پوتین خواهد بود و مزیت قابل توجه او را در مناقشه فعلی خنثی خواهد ساخت.

بایدن بر عزم امریکا و ناتو در مذاکرات فعلی تأکید کرده است. افسوس که به نظر می‌رسد مذاکرات به بن بست رسیده است و دو طرف مواضع سخت گیرانه و حتی ناممکنی را مطرح می‌کنند. پوچ گرا بودن و فکر کردن در این باره که پوتین صرفاً بدون توجه به هزینه‌های روسیه دستور حمله به اوکراین را خواهد داد، کار آسانی است. با این وجود، چنین دیدگاهی اصل مطلب را نادیده می‌گیرد و بیش از اندازه به تکنیک‌های سنتی مذاکرات جنگ سرد متکی است. هم چنین، منتقدانی هستند که باور دارند اگر امروز ترمپ در قدرت باقی مانده بود مذاکرات با روسیه بیش‌تر امکان پذیر و

موفقیت آمیز بود. بله، پوتین حتی می‌تواند "هنر معامله" (اشاره به کتابی نوشته شده توسط ترمپ با همین عنوان در سال ۱۹۸۷ میلادی) را بپذیرد.

بایدن ممکن است از طریق ایجاد پارادوکس (تناقض) و حرکات غیر قابل پیش بینی مشابه ترمپ نکاتی را از رئیس جمهوری پیشین وام گیرد و در مذاکره با پوتین از آن استفاده کند. بایدن باید یک فرستاده ویژه در سطح بالا (ترجیحاً رئیس جمهوری سابق، معاون رئیس جمهور یا یک سناتور) را در چنین نقشی منصوب کند و اگر آن شخص جمهوری خواه باشد عزم و اراده بیش تری از خود نشان خواهد داد.

این وضعیت به پوتین احساس احترام و عزت می‌بخشد و این همان چیزی است که او و روسیه در نابسامانی تازه و پیچیده پس از جنگ سرد به شدت آرزوی آن را دارند. این وضعیت به پوتین اجازه خواهد داد تا راه حلی را بیابد که وجهه اش نیز نزد نخبگان و مخاطبان داخلی روسیه حفظ شده و جذاب باقی بماند چرا که طبق نظرسنجی‌های تازه صورت گرفته در روسیه اکثریت روس‌ها تمایلی به جنگ ندارند. قمار پوتین بر سر اوکراین می‌تواند مطالعه‌ای موردی در دوره درسی مذاکره هاروارد باشد. پوتین و بایدن هر دو می‌توانند به جهان نشان دهند که در درگیری‌های پیچیده امروزی قرن بیست و یکمی مانند اوکراین به کار گیری دیپلماسی از موضع قدرت ضروری‌تر از هر چیز دیگری است.

منبع: اندیشکده سیفر

***- دکتر کنت دکلوا، روانپزشک وزارت امور خارجه آمریکا از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ میلادی و در حال حاضر استادیار روانپزشکی در مرکز درمانی جنوب غربی "یوتی" در تگزاس است. او یکی از اعضای ارشد بنیاد جورج اچ دابلیو بوش برای روابط آمریکا و چین بوده است.**